



شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۲

وطن‌امروز | شماره ۴۱۱۱

فرهنگ وهنر

اخبار

نکته‌های اربعینی در آپارات

همزمان بااوج‌گیری موج عزیمت زائران اربعین به کربلای معلی، بازار ویدئوهای آموزشی در زمینه‌نکات مرتبط با پیاده‌روی در فضای مجازی گرم شده‌است.این در حالی است که پیاده‌روی اربعین در کنار ظرفیت‌های معنوی واجتماعی، بستری ویژه برای کسب تجربه در زمینه پیاده‌روی‌های طولانی و در شرایط خاص شده‌است و به همین دلیل بخشی از تجربیات زائران سال‌های قبل، به سرفصل‌هایی آموزشی برای زائران جدید تبدیل می‌شود.وب سایت آپارات از ابتدای ماه صفر امسال، با هم‌رسانی ویدئوهای آموزشی در فضای پیاده‌روی اربعین مواجه شده‌است و ویدئوهای آموزشی در قالب‌های فردی یا توسط موسسات و موب‌ها، در مباحثی چون «کنیک‌های پیاده‌روی»،«هدیریت‌تغذیه»،«راهکارهای مرتبط با کاهش حجم کوله‌بار»،«راهکارهای مرتبط با اقامت‌های موقت»و… منتشر شده و در دسترس کاربران و علاقه‌مندان است.ویدئوهای اربعینی بارگذاری‌شده در آپارات، حاوی نکات و آموزش‌هایی است که شاید حتی بعد از چند نوبت حضور در پیاده‌روی اربعین، همچنان تازگی داشته باشد.فقط کافی است «پیاده‌روی اربعین» را در سایت جست‌وجو کنید.

پژمان جمشیدی و محسن کیایی روی صحنه تئاتر
پژمان جمشیدی و محسن کیایی به‌زودی در نمایش «پپرونی برای دیکتاتور» به کارگردانی علی احمدی روی صحنه خواهند رفت. نمایش «پپرونی برای دیکتاتور» که پیش‌تر نیز در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه رفته بود، میزبان بیش از ۴۵ هزار تماشاگر شده و به عنوان یکی از آثار پر مخاطب و پر فروش تئاتر در دهه ۹۰ به شمار رفته است.
پژمان جمشیدی و محسن کیایی مانند ۲ دوره قبل ایفاگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند. خسرو احمدی در مقام تهیه‌کننده،امیر سپهر نقی‌اوو سیدعماد عمری به عنوان مجری طرح و سجاد باقری به عنوان مدیر تولید در این نمایش حضور دارند.اطلاعات تکمیلی تاریخ و مکان اجرا و همچنین عوامل نمایش به‌زودی اعلام می‌شود.

جنارولندز بازیگر «دفترچه خاطرات» در گذشت

جنارولندز که با بازی تاثیر گذار خود در فیلم «نی تحت تاثیر»لهلم‌بخش یک نسل بود و در بسیاری از فیلم‌های جان کاسووتیس و همچنین فیلم عاشقانه «دفترچه خاطرات»بازی کرد، در ۹۴ سالگی از دنیا رفت. حدود ۲ ماه پیش «تیک کاسووتیس» پسر او که کارگردانی مادرش را در «دفترچه خاطرات» بر عهده داشت، خبر داد که این بازیگر برنده ۳ جایزه امی و ۲ نامزد اسکار به آلزایمر مبتلا شده‌است.نقش آفرینی رولندز در نقش میبل لانگتی در درام «نی تحت تاثیر»،نقشی بود که برای وی نوشته شده بود و وی با بازی در آن (سال ۱۹۷۴) به کارگردانی همسرش جان کاسووتیس، نخستین نامزدی اسکار خود را کسب کرد. «گلوریا» در سال ۱۹۸۰ دیگر فیلم به یادمانندی این هنرمند است که به کارگردانی همسرش ساخته شد و برایش دومین نامزدی اسکار را به ارمغان آورد. رولندز به پاس تلاشش در سینما جایزه اسکار افتخاری سال ۲۰۱۵ را نیز دریافت کرد.
جنارولندز که در دانشگاه‌ویسکانسین تحصیل کرده‌بود،در نیویورک در کادمی هنرهای دراماتیک تحصیل کرد و چند ماه پس از آشنایی با جان کاسووتیس در سال ۱۹۵۴، با وی ازدواج کرد.وی در دهه ۱۹۵۰ در تلویزیون کار کرد و سال ۱۹۵۲ برای نخستین بار در برادوی روی صحنه رفت.از رولندز فرزنداناش، نیک، زونی و الکساندرا و چند نوه و همسر دومی رابرت فارست که سال ۲۰۱۲ با وی ازدواج کرد، به جا مانده است.

آغاز نمایش «قلب رقه» در مناطق بدون سینما

اکران مردمی فیلم سینمایی «قلب رقه» به کارگردانی خدایه تقیانی‌پور همزمان با سینماها در شهرهای بدون سینما نیز آغاز شد. فیلم سینمایی «قلب رقه»، داستان پاسدار مدافع حرمی به نام رضا است که در شهر رقه سوریه (پایتخت داعش) در جست‌وجوی یک اسیر ایرانی به نام حاج عباس است. حاج عباس اطلاعات بسیار ارزشمندی دارد و داعش قصد دارد وی را رژیم صهیونیستی تحویل دهد، رضا برای یافتن حاج عباس، مسئول رسانه‌ای داعش در رقه می‌شود و در این میان همسرش ریم را که فکر می‌کرده کشته شده در میان داعشی‌ها پیدا می‌کند. این فیلم به نقش گران‌بهای سربازان حاج قاسم در مبارزه با داعش و تأمین امنیت ایران و محور مقاومت در دل آشوب‌های سخت منطقه پرداخته‌است. شهر رقه مدت ۳ سال پایتخت داعش بوده‌است. واحد اکران مردمی جشنواره عمار این امکان را فراهم کرده تا فیلم سینمایی «قلب رقه» در شهرها و مناطق بدون سینما نیز امکان نمایش داشته باشد. جهت ثبت درخواست اکران این فیلم در مساجد، حسینیه‌ها، سالن‌های فرهنگی شهر، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و… به نشانی اینترنتی ekanmardomi.ir/movie/the-heart-of-aqah مراجعه کنید.
فیلم «قلب رقه» به تهیه‌کنندگی سعید پروینی، محصول بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد رسانه‌ای بیان است و نخستین بار در جشنواره فیلم فجر ۱۴۰۲ به نمایش درآمد.

رویداد داستان نویسی «سبک زندگی اربعینی» برگزار می‌شود

رویداد داستان‌نویسی «سبک زندگی اربعینی» با حضور فعالان حوزه نویسندگی برگزار می‌شود. این رویداد با گفت‌مان‌سازی در حوزه اربعین و همچنین ترغیب و تشویق به روایت‌گری و داستان‌نویسی مرتبط با ایام اربعین و سبک زندگی اربعینی، با هدف جهانی‌سازی این اتفاق و ماندگار کردن سبک زندگی به تمام ایام سال برگزار می‌شود. داوری این رویداد ۱۴ شهریور به کار خود پایان می‌دهد و آثار منتخب پس از داوری در دوره اول و اهدای جوایزی از جمله هدایای نقدی، سفرهای زیارتی و غیره وارد مرحله دوم می‌شوند. در مرحله دوم نیز پس از ارزیابی و بررسی ابعاed مختلف نوشته‌ها، از میان ۱۰ متن برتر که در مبنای سلاخ‌های سبک زندگی اربعینی نوشته شده باشند، کلاس‌های آموزشی ارتقای سطح در حوزه نویسندگی و داستان‌نویسی برگزار می‌شود.

حضرت امام حسین^ع:

کسی که با نیروگ و معصیت خدا، در پی بدست آوردن چیزی رود، کمتر به آنچه امید دارد می‌رسد و زودتر به آنچه می‌نرسد، دچار می‌شود.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحبانمناز و مدیرمسئول:محمد آخوندی
مدیرعامل:زهرا شکیبایی
@vataneerouz
پست الکترونیک: info@vataneerouz.ir
چاپ:موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع:نشر گستر امروز:۶۱۹۲۳۰۰

گروه فرهنگ و هنر: انیمیشن «من نفرت‌انگیز ۴» یک انیمیشن با درونمایه کمدی و ماجراجویانه است که به عنوان چهارمین فیلم اصلی و ششمین فیلم با امتیاز برند رسانه‌ای «من نفرت‌انگیز» توسط کریس زناد و پاتریک لالج کارگردانی شده‌است. کریس زناد علاوه بر کارگردانی به عنوان صدایپشه،هنرمنداستوری‌بردو طراح‌نیز سابقه‌فعالیت‌دارد و قسمت‌های اول و دوم همین مجموعه «من نفرت‌انگیز» و انیمیشن‌های دیگری مانند «زندگی پنهان حیوانات خانگی یک و ۲» محصول ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹، همچنین «لوراکس» ساخته ۲۰۱۲ را هم کارگردانی کرده‌است.

می‌توان از اینجا شروع کرد که نمایش و فروش «من نفرت‌انگیز ۴» یکی از مهم‌ترین اتفاقات هنری و حتی می‌توان گفت اجتماعی سال ۲۰۲۴ جهان است که می‌تواند محل بحث و تحلیل کارشناسان سینمایی و تحلیلگران فروش فیلم‌ها باشد. «من نفرت‌انگیز ۴» در حالی فروش ۷۶۰ میلیون دلاری را با هزینه تولید ۱۰۰ میلیون دلاری به ثبت رسانده که یکی از ضعیف‌ترین انیمیشن‌های سال‌های اخیر صنعت انیمیشن جهان و ضعیف‌ترین دنباله سینمایی مینیون‌ها با نام تجاری «من نفرت‌انگیز» است. حال سوال این است: چرا «من نفرت‌انگیز ۴» را ضعیف‌ترین دنباله این فرنچایز (برنده رسانه‌ای) می‌دانیم و از آن مهم‌تر چگونه این کارتون ضعیف توانسته با این کیفیت، سومین فیلم پر فروش ۲۰۲۴ و جزو باشگاه ۷۰۰ میلیون دلاری‌های سینمای آمریکا شود؟

برای تحلیل موفقیت این انیمیشن، در وهله اول باید به فرنچایزهای رسانه‌ای و به عبارت ساده‌تر، برندهای رسانه‌ای توجه کرد:اینکه یک کاراکتر، عروسک یا شامیل چگونه مورد تأکید سازندگان قرار می‌گیرد و درباره آن، کارتون، عروسک و بازی می‌سازند و اینگونه با تبلیغات گسترده یک برند رسانه‌ای محبوب و جذاب تولید می‌شود. در سال‌های اخیر بخوبی قابل مشاهده است که فرنچایزهایی مانند جنگ ستارگان و کارهای دنیای سینمایی مارول هیچ مشکلی در تأیید تولید قسمت‌های آینده‌شان نداشته‌اند، زیرا می‌دانند از موفقیت مالی کفی برخوردار خواهند بود. یکی از این فرنچایزها، اگرچه شاید به اندازه ۲ مورد دیگر که نام بردیم بر جهان مسلط نباشد، «من نفرت‌انگیز» است.

عامل دوم تماشایی شدن «من نفرت‌انگیز ۴»، ریتم جذاب و موقعیت‌های متعدد و کاراکترهای متنوع است. این تنوع و تکرر به قدری سر مخاطب را گرم می‌کند که اصلا زمان تحلیل و پیگیری خط اصلی داستان و پیرنگ‌ها را پیدا نمی‌کند. این تمهید ساده اما فریبنده‌ای است که سازندگان فیلم و انیمیشن در جهان در سال‌های اخیر بشدت دنباله‌رو آن بوده‌اند، یعنی شلوغ‌کاری و پرداختن به جلوه‌های بصری جذاب برای انحراف ذهن تماشاگر؛ از بسط و ربط اتفاقات و عمق شخصیت‌ها و اتفاقات.

یکی دیگر از جنبه‌های مثبت متعدد و کاراکترهای متنوع است. این تنوع و تکرر به قدری سر مخاطب را گرم می‌کند که اصلا زمان تحلیل و پیگیری خط اصلی داستان و پیرنگ‌ها را پیدا نمی‌کند. این تمهید ساده اما فریبنده‌ای است که سازندگان فیلم و انیمیشن در جهان در سال‌های اخیر بشدت دنباله‌رو آن بوده‌اند، یعنی شلوغ‌کاری و پرداختن به جلوه‌های بصری جذاب برای انحراف ذهن تماشاگر؛ از بسط و ربط اتفاقات و عمق شخصیت‌ها و اتفاقات.
یکی دیگر از جنبه‌های مثبت متعدد و کاراکترهای متنوع است. این تنوع و تکرر به قدری سر مخاطب را گرم می‌کند که اصلا زمان تحلیل و پیگیری خط اصلی داستان و پیرنگ‌ها را پیدا نمی‌کند. این تمهید ساده اما فریبنده‌ای است که سازندگان فیلم و انیمیشن در جهان در سال‌های اخیر بشدت دنباله‌رو آن بوده‌اند، یعنی شلوغ‌کاری و پرداختن به جلوه‌های بصری جذاب برای انحراف ذهن تماشاگر؛ از بسط و ربط اتفاقات و عمق شخصیت‌ها و اتفاقات.

در مقابل، موارد ذکر شده و مزیت‌ها و نقاط قوتی که برشمرده شده، برخی ایرادات قابل توجه و حتی ویرانگر در فیلمنامه و ساختار انیمیشن «من نفرت‌انگیز ۴» وجود دارد که آن را فارغ از اسم و رسم مینیون‌ها در حد یک اثر انیمیشن ضعیف قرار می‌دهد. نخستین ایراد و عیب غیرقابل انکار «من نفرت‌انگیز ۴» فیلمنامه ضعیف آن است؛

به انگیزه هشتادمین زادروز علی حاتمی، فیلمساز سرشناس سینما

مرد نگونام

هیچ قلمداد شده‌است. از نکات قابل توجه فیلمنامه اکثر آثار حاتمی می‌توان به برداشت‌های آزاد او از وقایع تاریخی اشاره کرد؛ یک نگاه ساختار شکنانه و یک جسارت ستودنی که برخلاف فیلم‌های زمانه خود قد علم می‌کند. تصویر تلخ و غم‌انگیزی که از سرنوشتن سفیر دوره قاجار در «حاجی واشنگتن» به نمایش می‌گذارد، با انجمن مجازاتی که به قلم او در «هزاردستان» علیه ظلم و جور و استبداد به کین خواهی می‌پردازند، «کمال‌الملک» نقاشی که رو به دوربین، رنگ سرگذشتش را قلم می‌زند، «دلشادگانی» که موسیقی سنتی ایرانی را به گوش بینگه دنیا می‌رسانند، «هادی» که قداست سفره خانواده را ارج می‌نهد و شوربختخانه «ختنی» که بی‌انتها، به سوی خالقش بر می‌می‌کشد.

قلم او آفریننده صحنه‌های چشم‌نواز است، نثر او وزن نظم دارد، درد را می‌فهمد، عشق را می‌داند و در یک کلام تمامیت تـرادف حیات را از بر است؛ واج آرای بی‌عجاب‌آور چشم‌ها خمار از تراخم است و چهره‌ها تکیده از تریاک» که با قربانی گوسفند در سفارت ایران، طعم صحنه را با ادویه مونولوگی ماندگار جاودانه می‌کند یا آنجا که با «ملنی که ادبش قاععا ر فضیلت می‌داند»، «قحطی هر ساله» را در قاب نمایش به شیون می‌کشد؛ نگارش سکانس‌کی که جهالت



ایده تصویری داشتیم که نمی‌شد آنها را به زور به کارگردان‌ها قبولاند، بنابراین علاقه‌مند بودم تصاویر ذهنی خود را روی صحنه ببینم و از این رو کارگردانی تئاتر را آغاز کردم.هیچ‌وقت از متن به تصویر نرسیدم، بلکه از تصویر به متن رسیدم. برای این نمایش نیز ابتدا تصویری در ذهن داشتم و بعد در صحبت با آقای چرم‌شیر، متن این کار را انتخاب کردم.

او گفت: زمانی که متن محمد چرم‌شیر را خواندم پی بردم آیین نهفت‌های در آن نهفته‌است، بیان زیبایی از شرایط اجتماعی ما نیز در این متن وجود داشت، بنابراین تصمیم گرفتم تمام تصاویر و شرایط اجرا بر مبنای یک آیین باشد. ما در این اثر، نیمه‌انسان -نیمه خدایی را می‌بینیم که نه‌انسان، نه‌روزرگ و نه تقدیر برای او کاری نمی‌کند تا اینکه می‌میرد. فکر کردم که باید برای مرگ او آیینی داشته باشم و آن آیین تبدیل به تصاویر و اتفاق این نمایش شد. ما همه این تفاسیر، هیچ تغییری در متن آقای چرم‌شیر انجام ندادم و فقط روی آن کارگردانی کردم.

در نهایت درباره این کار باید بگویم حسم نسبت به این، این است آن کاری را که دوست داشتم انجام دادم. در واقع اگر نقی وجود دارد، طبیعتا از شرایط آگاهی و اجرایی از طرف من بوده‌است. سیدمحسن حسن‌زاده به عنوان منتقد تئاتر در ادامه این نشست گفت: آقای احصایی مانند تعداد دیگری از همکاران ما ایده تصویری داشتیم که نمی‌شد آنها را به زور به کارگردان‌ها قبولاند، بنابراین علاقه‌مند بودم تصاویر ذهنی خود را روی صحنه ببینم و از این رو کارگردانی تئاتر را آغاز کردم.هیچ‌وقت از متن به تصویر نرسیدم، بلکه از تصویر به متن رسیدم. برای این نمایش نیز ابتدا تصویری در ذهن داشتم و بعد در صحبت با آقای چرم‌شیر، متن این کار را انتخاب کردم.

او گفت: زمانی که متن محمد چرم‌شیر را خواندم پی بردم آیین نهفت‌های در آن نهفته‌است، بیان زیبایی از شرایط اجتماعی ما نیز در این متن وجود داشت، بنابراین تصمیم گرفتم تمام تصاویر و شرایط اجرا بر مبنای یک آیین باشد. ما در این اثر، نیمه‌انسان -نیمه خدایی را می‌بینیم که نه‌انسان، نه‌روزرگ و نه تقدیر برای او کاری نمی‌کند تا اینکه می‌میرد. فکر کردم که باید برای مرگ او آیینی داشته باشم و آن آیین تبدیل به تصاویر و اتفاق این نمایش شد. ما همه این تفاسیر، هیچ تغییری در متن آقای چرم‌شیر انجام ندادم و فقط روی آن کارگردانی کردم.

در نهایت درباره این کار باید بگویم حسم نسبت به این، این است آن کاری را که دوست داشتم انجام دادم. در واقع اگر نقی وجود دارد، طبیعتا از شرایط آگاهی و اجرایی از طرف من بوده‌است. سیدمحسن حسن‌زاده به عنوان منتقد تئاتر در ادامه این نشست گفت: آقای احصایی مانند تعداد دیگری از همکاران ما

وطن امروز

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۷۲۸۲
۶۶۴۱۷۲۸۲
تلفن: ۶۶۴۱۷۲۸۲ تا ۶۶۴۱۷۴۱۲
پایمراس: info@vataneerouz.ir
پست الکترونیک: info@vataneerouz.ir
چاپ:موسسه جام‌جم برتر برنا
توزیع:نشر گستر امروز:۶۱۹۲۳۰۰

فیلمنامه‌ای فاقد چفت و بسط‌های دراماتیک که مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و در لحظاتی به ملمعه‌ای تبدیل می‌شود که فقط در حال ایجاد موقعیت و شخصیت جدید و تازه است، غافل از اینکه به کارگرد و ارتباط این شخصیت‌ها فکر کند. در نهایت نیز با یک ارتباط بی‌ربط، ماجرای پیرزن به شخصیت «کاسیم‌لو» پیوند می‌خورد تا بتوان پایانبندی به ظاهر قابل قبولی را برای کارتون در نظر گرفت.

شخصیت‌پردازی ضعیف، دیگر مشکلی است که از فیلمنامه «من نفرت‌انگیز ۴» بیرون زده و به عبارتی شخصیت‌ها فدای موقعیت‌ها می‌شوند. آنقدر موقعیت و اتفاقات کوچک و بزرگ، بی‌ربط و در ربط در طول انیمیشن اتفاق می‌افتد که تماشاگر، به خاطر نمی‌آورد شخصیت‌های فیلم و اصلا کاندمند و قرار است کدام قصه را دنبال کند. تنوع و تعدد کاراکترها به نوعی به راهکاری برای عدم شخصیت‌پردازی یا شخصیت‌پردازی ضعیف آنها تبدیل شده و سازندگان به پرورش کاراکترهای زیاد و آب و رنگ بخشیدن به جای عمیق و بارور کردن آنها پرداخته‌اند. شاید یکی از توجیحات طرفداران و سازندگان این کارتون این باشد که ۳ قسمت از مجموعه «من نفرت‌انگیز» و ۲ قسمت قبل‌تر مینیون‌ها بخش شده و لزومی به توضیح و تبیین کاراکترها وجود ندارد، این در حالی است که تماشاگری که می‌خواهد بتازگی این دنباله را تماشا کند، دچار ابهامات زیادی درباره انگیزه و عملکرد کاراکترها می‌شود که هیچ‌گاه پاسخش را در طول ۹۵ دقیقه اثر، پیدا نمی‌کند.

حضور کاراکترهای بانمک و جذاب مینیون از مهم‌ترین دلایل اقبال به دنباله «من نفرت‌انگیز» بوده به نوعی که خارج از کار، عروسک‌ها، ایموجی‌ها و بازی مینیون‌ها از پراقبال‌ترین و محبوب‌ترین کاراکترهای نمایشی صنعت انیمیشن در قرن بیست‌ویکم به شمار می‌رود، حال آنکه در ورژن چهارم این انیمیشن از حضور این پتانسیل جذاب به حداقلی‌ترین شکل ممکن و بدترین فرم ساختاری استفاده شده‌است. مینیون‌ها در روند قسمت از مجموعه «من نفرت‌انگیز» و به‌واقع در بخش‌هایی کامل برای خالی نبودن عریضه به کار برده شده‌اند. در بخش‌هایی که آن ۴ کاراکتر تئمداعی‌گر ابرقهرمان‌های مارول هستند و از آن الگو پیروی کردند نیز باورپذیری و کارکرد این شخصیت‌های ظریف و بامزه به کار نیامده و به نوعی، هنر و تلف شده‌اند تا بتوان مدعی شد عدم استفاده از ظرفیت مینیون‌های جذاب از اصلی‌ترین ایرادات «من نفرت‌انگیز ۴» است.

کندار بودن قصه رانیز می‌توان به این ایرادات اضافه کرد، این حال شاهد فروش روزافزون این محصول آمریکایی در سینما هستیم تا مشخص شود در وهله نخست برند رسانه‌ای و در درجه دوم محبوبیت انیمیشن و فانتزی‌های خوش آب و رنگ در دنیای جدید تا چه حدی موثر و پولساز است. در ادامه گزیده‌ای کوتاه از نقد منتقدان سرشناس وسایط‌های سینمای و روزنامه‌های انگلیسی‌زبان ارائه شده‌است. پیتر بردشو در روزنامه بریتانیایی گاردین با دادن نمره ۶۰ از ۱۰۰ به این کارتون نوشته‌است: «این محصول ایلومینیشن هرگز به نبوغ بهترین آثار رقیب‌شان، پیکسار، نزدیک نشده‌است، با وجود اینکه به وضوح از شخصیت «سیندرم» انیمیشن «شگفت‌انگیزان»(۲۰۰۴) وام گرفته‌است. در واقعیت، مینیون‌ها همیشه به‌مره‌ترین و خسته‌کننده‌ترین بخش فیلم‌های «من نفرت‌انگیز» بوده‌اند اما همچنان باید گفت آنها بدون شک بخش مهمی از فرمول موفقیت و هویت تجاری این مجموعه هستند و با سرگرمی‌های دیوانه‌وار بدون کلام، بچه‌های کوچک را جذب می‌کنند و شانس موفقیت فیلم در مناطق غیرانگلیسی‌زبان را افزایش می‌دهند».

وندی آیدی در وبسایت اسکریبن‌دیلی با تخصیص نمره ۷۰ از ۱۰۰ درباره آن نوشته‌است: «من نفرت‌انگیز ۴» شاید دوباره چرخ را اختراع نکند با اینکه در بخشی یک ویلچر با لاستیک‌های غول آسا درست می‌کند اما نمایشی سرزنده و طرفدار پسند را عرضه می‌کند که شاید از نظر پیرنگ کمی کمپایه باشد اما تا خرخره مملو از شوخی‌های متنوع است».
رافائل مولتامیر در وبسایت سینمایی اسلش‌فیلم به این اثر نمره ۵ از ۱۰۰ داده و نسبت به آن انتقادات جدی‌تر و تندتری دارد. «من نفرت‌انگیز ۴» آنقدر خط داستانی دارد که احساس می‌کنید در حال تماشای یک سریال آنتولوژی ۱۰ قسمتی هستید. جای تعجب ندارد که هر کدام از این قصه‌ها به سرعت برای مورد جدید بعدی رها می‌شوند. به نظر می‌رسد «من نفرت‌انگیز ۴» به جای تکیه بر فیلمنامه، انتظار دارد تماشاگران خودشان شخصیت‌پردازی را انجام دهند. هیچ‌کدام از شخصیت‌ها از زمان فیلم اول تغییری نکرده‌اند و حتی شان هم بالاتر نرفته‌است. این باعث می‌شود فیلم بیشتر شبیه یک قسمت دیگر از یک سریال تلویزیونی به نظر برسد تا شروع یک سه‌گانه کاملاً جدید».

و غفلت را در ۳ ترکیب کلمه با یک درونمایه مفهومی بازگو می‌کند: «جماعت خواب، اجتماع خواب‌ده، جامعه چرتی» جایی‌که زندگی با «مادر مُرد از بس که جان ندارد» به سادگی وصف می‌شود، جایی که نوشته، تصویر می‌شود و صحنه، نماینده اندرز است.

باری‌نوشتن از «علی حاتمی» بسی سخت و بسیار دشوار است؛ نویسنده و کارگردانی جزئی‌نگر که با اصول و نگرشی متفاوت، در کسوت یک مولف، الگویی برای هر سینماگر ایرانی محسوب می‌شود؛ شخصی که شاعرانه حکایت می‌کرد، استادانه به تصویر می‌کشید و عاشقانه برای کارش ارزش قائل بود. علاقه‌مند به نوشتن داستان‌های تخیلی برای اتفاقات کاملاً حقیقی، پاسدار زبان و فرهنگ ادبیات پارسی.

استاد باطناع فیلمسازی، که به عقیده نگارنده حتی لقب شاعر سینما در تاولیل و تفسیر جایگاهش در عرصه سینماگری و نویسندگی، اتوان است.

افسوس که می‌شد تا چندین و چند سال و حتی در این دوره، از تماشای آثار جدیدش لذت برد. افسوس که آن توده سرطانی منحوس، حاتمی را از ما گرفت. لیک همچنان می‌شود او را در یکایک نماهای آثارش جست، با قلم‌ش زندگی کرد و نظاره‌گر جهان مصور ذهنش بود. گویی سعیدی شیرازی، آن مصراع معروف را برای سعدی سینما سروده بود.

«علی حاتمی» مرد کنونامی که هنوز زنده است، زنده در تمامی آثار زندگی خویش، او نور و چراغ سینماست و به قول خودش: «این چراغ، خاموشی نیست».

در بیست‌ودومین برنامه از سلسله جلسات نمایش فیلم تئاترهای شاخص خانه هنرمندان ایران مطرح شد

«نامه‌هایی به تب»؛ روایتی از ادیب، آنتیگونه و ایسمنه

که شکل متعارف اجرا و نمایشنامه‌نویسی کمی تغییر کرد و در آن فضا بدون تردید تن‌ان نقش محمد چرم‌شیر را انکار کرد و یادیده گرفت. در واقع آقای محمد چرم‌شیر نبود، حرف نو به لحاظ اجرا در تئاتر ما کمتر دیده می‌شد.

حسن‌زاده در ادامه صحبت‌هایش گفت: آقای چرم‌شیر از معدود نمایشنامه‌نویسانی است که با آگاهی از این موضوع به سبب شکل نمایشنامه‌نویسی مدرن می‌رود که پایه اصلی آن اجرا، آگاهی و شناختنی است که در اجرا دارد. مشخصا وقتی این اتفاق در کنار کارگردانی قرار می‌گیرد که مساله اصلی‌اش تصویر و اجرا است، سبب شده در متن چرم‌شیر هم مداخله‌ای کند و شخصیت‌ها متکثر شوند تا به آن آیینی که مد نظرشان است برسند. حتی جغرافیا توسط کارگردان یادیده گرفته شده و ما با یک بی‌مکانی محض با تمام نشانه‌های خاص خود مواجه هستیم. ما شاهد جهانی هستیم که در کابوس‌های آنتیگونه زندگی می‌شود و همین موارد با همین نگاه می‌تواند وارد دنیای نمایش شود. این عناصر در کنار هم می‌تواند عبادی می‌کند که نمایشنامه‌نویس و کارگردان به دغدغه مهم‌تری فکر می‌کنند که همان صحبت احصایی مبنی بر قالب بودن بحث تصویر است؛ در واقع تمام موقعیت صحنه در فرآیندی قرار می‌گیرد که ما می‌توانیم آن را در کلمه اجرا خلاصه کنیم.